

پرسش‌هایی درباره عملکرد ۷ سال گذشته و برنامه‌های روزهای باقیمانده دولت

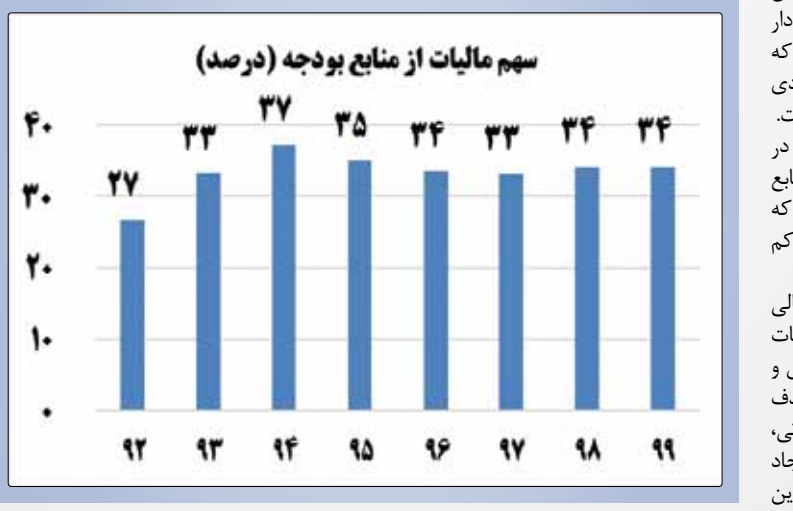
سؤالات اقتصادی از روحانی



گروه اقتصادی: سال انتهایی هر دولتی را باید زمان برداشت نتایج سیاست‌های اعمال شده طی ۷ سال پیش از آن دانست. دولت تدبیر و امید در حالی به سال آخر خود رسیده که با هر متر و شاخصی حساب کنید، شرایط اقتصادی کشور در شرایط خوبی قرار ندارد؛ تورم و افزایش قیمت کالاهای مصرفی، به هم ریختگی بازارهای مختلف، رکود عجیب در تولید و... در واقع شرایط به گونه‌ای بوده و هست که با وجود کرونا دولت نتوانست پروتکل‌های اولیه که همان قرنطینه و در نتیجه تعطیلی بخشی از صنایع و کسب‌وکارهای کشور بود را اجرایی کند و کشور بر سر دوراهی معیشت-سلامت قرار گرفت. در یک تصویر کلان، فضای سیاست‌گذاری اقتصادی کشور در دولت‌های یازدهم و دوازدهم بر ۳ پایه استوار بوده است: اقدام موثری انجام نشد، اجازه اقدام موثر به دیگر قوا داده نشد و در نهایت کارهای مثبت قبل متوقف شد. برای این ۳ گزاره دهها مصداق وجود دارد و در هر حوزه‌ای مطالعه شود به وضوح قابل درک

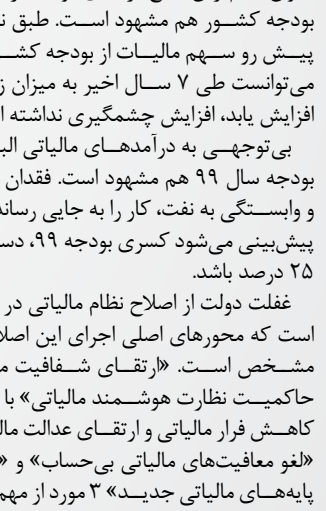
مالیات برای کاهش وابستگی بودجه به منابع حاصل از خام‌فروشی چه اقداماتی صورت گرفت؟

موضوع «وابستگی کشور به درآمد حاصل از خام‌فروشی نفت» مسأله‌ای است که تقریباً به اندازه تاریخ بودجه‌ریزی در ایران قدمت دارد. این مسأله به طور خاص از آغاز دهه ۵۰ شمسی به این سو به شکل فزاینده‌ای نمود یافت. اتکالی بودجه به درآمد حاصل از خام‌فروشی نفت باعث شد دولت‌ها توجه چندانی به درآمدهای پایدار و سالم‌تر نداشته باشند. همین موضوع منجر به ابتدای کشور به معضل «کسری بودجه مزمن» و تشدید آن شد. این مسأله تا پیش از تحریم‌های آمریکا علیه ایران در ابتدای دهه ۹۰ چندان مورد توجه نبود تا اینکه وضع این تحریم‌ها و محدود شدن جدی منابع بودجه منجر به تشدید کسری بودجه شد و در نهایت دولت را مجبور به استقراض از بانک مرکزی کرد که نتیجه آن، تورم فزاینده و افزایش فشار بر معیشت مردم شد. حسن روحانی اما در حالی پا به عرصه انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲ گذاشت که شاهد این مسأله بود. به عبارت دیگر، این مسأله موضوعی نسله که حسن روحانی برای نخستین‌بار با آن مواجه شده باشد. با این حال وی از این موضوع درس نگرفت و تمام وقت و انرژی کشور و دولت خود را صرف مذاکره و رفع تحریم نفت برای احیای درآمدهای نفتی بودجه کرد. امید واهی دولت به رفع تحریم نفت و بازگشت منابع نفتی به بودجه، موضوع «اصلاح ساختار مالیاتی» را به حاشیه برد. غفلت دولت از اصلاح نظام مالیاتی به حدی بود که طی سال‌های اخیر تقریباً هیچ لایحه‌ای از سوی دولت در بخش منابع مالیاتی به مجلس ارائه نشده است. غفلت دولت از اصلاح نظام مالیاتی با هدف کاهش وابستگی بودجه به نفت و افزایش سهم مالیات از منابع بودجه به عنوان سالم‌ترین منبع درآمدی دولت، در قوانین بودجه کشور هم مشهود است. طبق نمودار پیش رو سهم مالیات از بودجه کشور که می‌توانست طی ۷ سال اخیر به میزان زیادی افزایش یابد، افزایش چشمگیری نداشته است. بی‌توجهی به درآمدهای مالیاتی البته در بودجه سال ۹۹ هم مشهود است. فقدان منابع و وابستگی به نفت، کار را به جایی رسانده که پیش‌بینی می‌شود کسری بودجه ۹۹، دست‌کم ۲۵ درصد باشد.



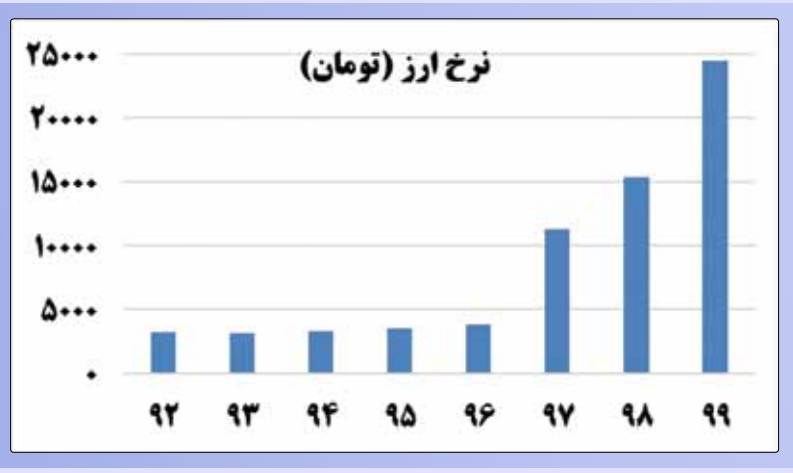
چرا اقتصاد به نفت خلاصه و به مذاکرات هسته‌ای گره زده شد؟

نظری در پیش گرفته‌اند که نشان می‌دهد دولت هیچ برنامه‌ای برای اقتصاد داخلی ندارد. نمایانگر آن هم اعتراض هر روزه صنعتگران و تولیدکنندگان به موانع تولید و نبود حمایت‌های دولتی است. آمارهای مختلف نشان می‌دهد علت اصلی نابسامانی‌های کنونی اقتصاد کشور ناشی از سوءمدیریت دولت در ۷ سال گذشته بوده است. به عنوان مثالی کاملاً ملموس، عملکرد دولت در موضوع تامین مسکن و مدیریت این بازار، کارنامه مدیریت دولت در این حوزه را بخوبی نشان می‌دهد. افت شدید ساخت‌وساز و عرضه مسکن در ۷ سال گذشته و تعلل در تکمیل واحدهای باقیمانده مسکن مهر تنها بخشی از عملکرد دولت در این حوزه است. نوسانات اخیر قیمت مسکن هم از دیگر نقاط ضعف کارنامه مدیریت دولت است. افزایش نزدیک به ۵۰ درصدی قیمت مسکن از ابتدای سال جاری تاکنون فشار سنگینی را بر مردم تحمیل کرده و تامین سرپناه برای بسیاری از مردم را غیرممکن کرده است.



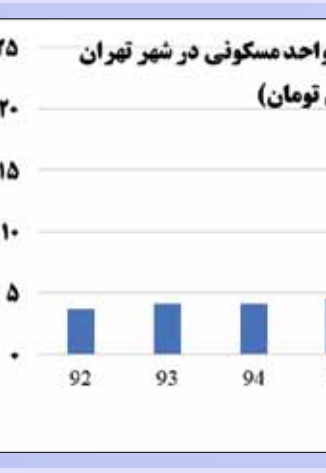
اگرچه اقتصاد به نفت خلاصه و به مذاکرات هسته‌ای گره زده شد؟

حالی در زمینه نفت هم دولت برنامه‌ای در راستای پیشرفت و توسعه ظرفیت‌های پالایشی و پتروشیمی کشور نداشت و تمام تمرکزش روی فروش نفت خام بود. تمام دوران شوکه دولت زمانی بود که توانست نفت خام را با حجم زیادی بفروشد و پس از آن شرایط بد اقتصادی شروع شد. دلیل اصلی تاثیر تحریم‌های نفتی و ضربه‌پذیری اقتصاد کشور از تحریم‌ها مربوط به همین نشئگی حاصل از فروش نفت و افزایش درآمدهای ارزی بود. اشاره روحانی به رشد اقتصادی کشور در بهار سال جاری هم خالی از حاشیه نبود. تمجید روحانی از رشد اقتصادی کشور در بهار سال جاری و زست مدیریت موفق وی در حالی است که در ۷ سال گذشته درصد بسیار زیادی از رشد اقتصادی کشور مربوط به رشد نفتی بوده است. روحانی در شرایطی زمام امور اجرایی را به دست گرفت که رشد اقتصادی بدون نفت کشور در مسیر مثبت قرار گرفته بود. با این حال پس از شروع به کار دولت روحانی در سال ۹۲، اصلاح امور اقتصادی کشور به کلی به نتیجه مذاکرات هسته‌ای گره زده شد و دولت از هر اقدام اساسی برای تحول اقتصاد کشور امتناع کرد. در واقع دولت تمام اقتصاد کشور را به «استخراج نفت و گاز» گره زد. آمارهای رسمی هم البته از گره خوردن کل اقتصاد به «استخراج نفت و گاز» حکایت دارد. آمارهای رشد اقتصادی حاکی از آن است تمام بخش‌های اقتصادی کشور در این ۷ سال روند



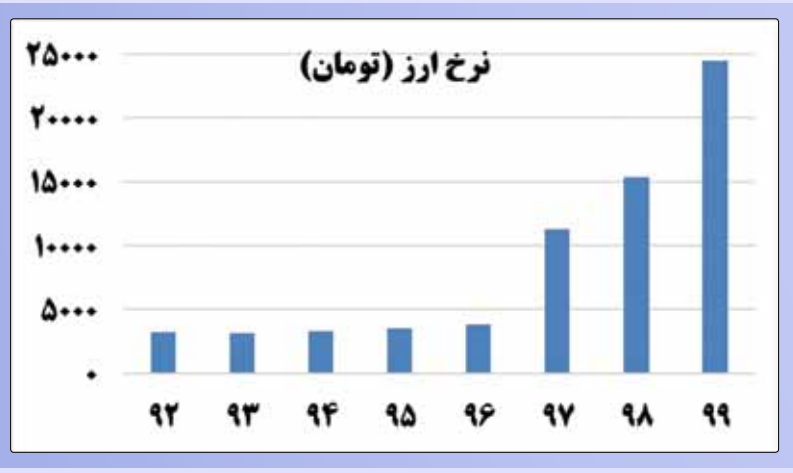
تولید

سیاست دولت روحانی حل مشکلات اقتصادی به وسیله دیپلماسی خارجی بود اما این رویکرد نه تنها نتوانست دستسازد پایداری برای اقتصاد ایران به ارمان آورد، بلکه بر چالش‌های اقتصاد ایران افزود. مسلماً هر اقتصاد پویایی احتیاج به ارتباط خارجی دارد اما موضوع اینجاست که عملاً تدبیرهای هیچ برنامه‌ای برای اقتصاد کشور در این ۷ سال نداشته‌اند، آنها تمام توان خود را برای گرفتن امتیازات ناشی از دیپلماسی استفاده کردند که در این مسیر هم ناتوان بودند. حالا با شکست این سیاست، مشخص نیست تکلیف اقتصاد کشور چه می‌شود. البته این موضوع به همین جا خلاصه نمی‌شود، تفکر وادادگی و نفی درونی‌سازی اقتصادی تا جایی پیش رفت که دولت پس از یک توافق دست و پا شکسته، تمام بنیان‌هایی را که پیش از خود ایجاد شده بود، با افزودن افزایش فروش نفت دور کرد. این یعنی نه تنها در ۷ سال گذشته دولت هیچ دستسازدی در اقتصاد نداشته، بلکه همان چیزی را که در سال‌های گذشته کسب شده بود هم از بین برد و کشور را به ۱۵ سال قبل بازگرداند؛ شرایطی که باعث شد دولتی‌ها در سال ۹۸ طرح‌هایی را که چندین سال بود از بین برده بودند، دوباره احیا کنند.



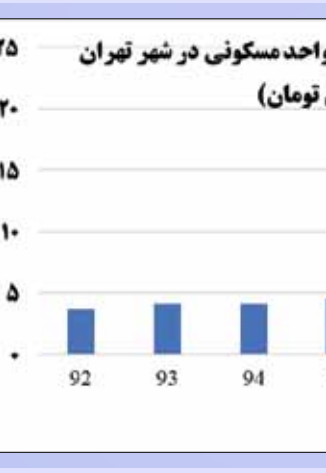
اگرچه اقتصاد به نفت خلاصه و به مذاکرات هسته‌ای گره زده شد؟

نظارت از ارتباط داده می‌شود. این در حالی است که نقش بانک‌ها به عنوان عاملان خلق نقدینگی و بانک مرکزی به عنوان ناظر بر شبکه بانکی هیچ گاه به طور جدی بررسی و چاره‌اندیشی نشده است. در واقع هیچ‌گاه مسائل نظام بانکی به عنوان عامل اصلی تورم در کشور، بررسی و چاره‌اندیشی نشده است. شبکه بانکی در سایه نبود نظارت موثر بانک مرکزی، سالانه باعث خلق حجم زیادی نقدینگی در کشور می‌شود. ضعف مفرط بانک مرکزی در نظارت بر شبکه بانکی و همچنین فقدان اقتدار لازم برای برخورد با تخلفات در صورت کشف تخلف، شبکه بانکی را در حاشیه امنی قرار داده که نتیجه آن افزایش سالانه نقدینگی فراتر از ۲۰ درصد است. ضعف نظارت بانک مرکزی البته دلایل مختلفی دارد. وابستگی بانک مرکزی به نیروی انسانی و مدیران شبکه بانکی یکی از عوامل موثر در این حوزه است. گردش آزاد مدیران بانکی میان شبکه بانکی و بانک مرکزی زمینه را برای مماشات مدیران بانک مرکزی با بانک‌های مختلف فراهم کرده است. نبود قوانینی برای محدود



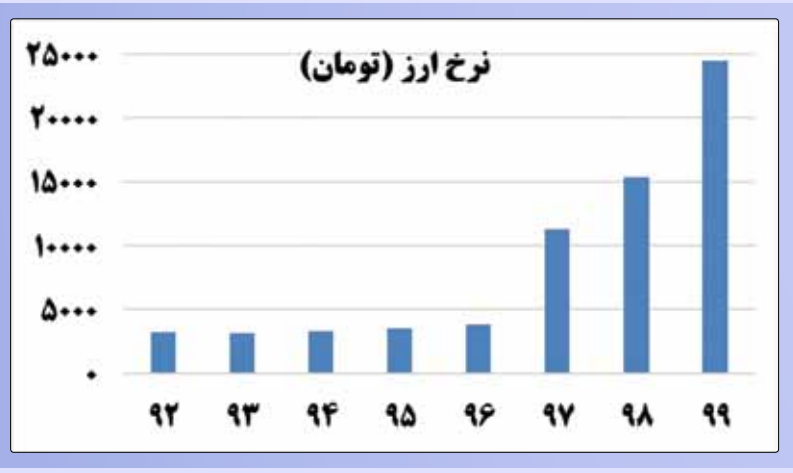
اگرچه اقتصاد به نفت خلاصه و به مذاکرات هسته‌ای گره زده شد؟

کردن جابه‌جایی افراد میان شبکه بانکی و بانک مرکزی، رابطه میان مسؤولان بانک مرکزی و مدیران شبکه بانکی را به رابطه‌ای میان دوستان فعلی و سابق شبکه بانکی تبدیل می‌کند. همین عامل باعث متزلزل شدن مدیران بانک مرکزی در برخورد با تخلفات شبکه بانکی می‌شود. این موضوع البته تنها یکی از عوامل مماشات بانک مرکزی با تخلفات بانکی است. عامل دیگر در این موضوع، نبود شفافیت در تصمیمات و اقدامات بخش‌های مختلف بانک مرکزی است. تنها به عنوان مثالی از این موضوع، نبود شفافیت در تصمیمات و اقدامات معاونت نظامی بانک مرکزی، مقامات این بخش را در حاشیه امنی از منظر پاسخگویی به عملکرد خود قرار داده و زمینه را برای مماشات این مدیران با تخلفات بانک مرکزی فراهم کرده است. بررسی خبرهای مربوط به بانک مرکزی نشان می‌دهد تقریباً هیچ اخباری از جلسات و تصمیمات اتخاذ شده در معاونت نظامی بانک مرکزی در مواجهه با تخلفات بانک مرکزی وجود ندارد. نبود شفافیت در ساختارهای مختلف بانک مرکزی، حاشیه امنی برای مقامات این



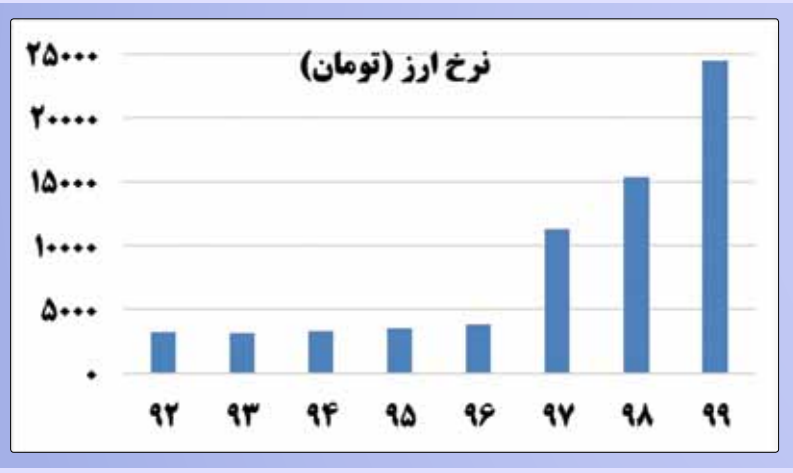
اگرچه اقتصاد به نفت خلاصه و به مذاکرات هسته‌ای گره زده شد؟

نهاد سیاست‌گذار پولی در چشم‌پوشی از تخلفات و بی‌قانونی‌های شبکه بانکی فراهم کرده است. عامل دیگر در ضعف عملکرد بانک مرکزی در مواجهه با شبکه بانکی کشور، نبود اقتدار بانک مرکزی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد اندک اقداماتی که معاونت نظامی بانک مرکزی در برخورد با تخلفات بانک‌های کشور انجام می‌دهد، در فرآیند پیچیده ای‌اثر می‌شود. به طور دقیق احکام صادره در هیات انتظامی بانک‌ها در بانک مرکزی پس از اعتراض بانک‌های متخلف، با ورود به دیوان عدالت اداری لغو شده و لغو الفای احکام صادره از سوی هیات انتظامی بانک مرکزی در دیوان عدالت اداری، آشکارا اقتدار بانک مرکزی در مواجهه با شبکه بانکی کشور را تخریب کرده است. از همین رو تقویت بانک مرکزی برای اعمال قانون در شبکه بانکی از الزامات اصلاح نظام بانکی کشور است. این مسائل البته تنها بخشی از محورهای مطرح در موضوع «اصلاح نظام بانکی کشور» است. با این حال دولت از ابتدای شروع به کار تاکنون تقریباً هیچ اقدام خاصی برای اجرای این اصلاحات نکرده است.



اگرچه اقتصاد به نفت خلاصه و به مذاکرات هسته‌ای گره زده شد؟

نهاد سیاست‌گذار پولی در چشم‌پوشی از تخلفات و بی‌قانونی‌های شبکه بانکی فراهم کرده است. عامل دیگر در ضعف عملکرد بانک مرکزی در مواجهه با شبکه بانکی کشور، نبود اقتدار بانک مرکزی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد اندک اقداماتی که معاونت نظامی بانک مرکزی در برخورد با تخلفات بانک‌های کشور انجام می‌دهد، در فرآیند پیچیده ای‌اثر می‌شود. به طور دقیق احکام صادره در هیات انتظامی بانک‌ها در بانک مرکزی پس از اعتراض بانک‌های متخلف، با ورود به دیوان عدالت اداری لغو شده و لغو الفای احکام صادره از سوی هیات انتظامی بانک مرکزی در دیوان عدالت اداری، آشکارا اقتدار بانک مرکزی در مواجهه با شبکه بانکی کشور را تخریب کرده است. از همین رو تقویت بانک مرکزی برای اعمال قانون در شبکه بانکی از الزامات اصلاح نظام بانکی کشور است. این مسائل البته تنها بخشی از محورهای مطرح در موضوع «اصلاح نظام بانکی کشور» است. با این حال دولت از ابتدای شروع به کار تاکنون تقریباً هیچ اقدام خاصی برای اجرای این اصلاحات نکرده است.



اگرچه اقتصاد به نفت خلاصه و به مذاکرات هسته‌ای گره زده شد؟

نهاد سیاست‌گذار پولی در چشم‌پوشی از تخلفات و بی‌قانونی‌های شبکه بانکی فراهم کرده است. عامل دیگر در ضعف عملکرد بانک مرکزی در مواجهه با شبکه بانکی کشور، نبود اقتدار بانک مرکزی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد اندک اقداماتی که معاونت نظامی بانک مرکزی در برخورد با تخلفات بانک‌های کشور انجام می‌دهد، در فرآیند پیچیده ای‌اثر می‌شود. به طور دقیق احکام صادره در هیات انتظامی بانک‌ها در بانک مرکزی پس از اعتراض بانک‌های متخلف، با ورود به دیوان عدالت اداری لغو شده و لغو الفای احکام صادره از سوی هیات انتظامی بانک مرکزی در دیوان عدالت اداری، آشکارا اقتدار بانک مرکزی در مواجهه با شبکه بانکی کشور را تخریب کرده است. از همین رو تقویت بانک مرکزی برای اعمال قانون در شبکه بانکی از الزامات اصلاح نظام بانکی کشور است. این مسائل البته تنها بخشی از محورهای مطرح در موضوع «اصلاح نظام بانکی کشور» است. با این حال دولت از ابتدای شروع به کار تاکنون تقریباً هیچ اقدام خاصی برای اجرای این اصلاحات نکرده است.

